

به استقبال اول ماه مه بشتابیم (۱)

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) امسال را به روز اعتراض سراسری و عمومی بدل نماییم .

امیرجواهری نگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

۱۳ فروردین ۱۳۹۰

...هرچند اکنون به وضوح نمی توانیم شادی کنیم
و نمی توانیم در آرامش به سوی هدف های نجیب خویش گام برداریم
با این همه، ما خداوند سرنوشت خویشیم، بهاریم، جوانی هستیم، سپیده
دمیم!
ونخستین روزه، روز ماست، از آن ماست *

اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگران از راه می رسد. این روزی است که کارگران آنرا با ریختن خون خود بنیاد نهاده اند. سال ۱۸۸۶ در شهر شیکاگوی آمریکا، دهها هزار کارگر با شعار " هشت ساعت کار در روز" دست به اعتصاب زدند. پلیس در دوروز اول با اعزام اوباشان سرکوبگر خود که حافظ نظم سرمایه اند، نتوانست صفوف بهم فشرده اعتصابگران را بشکافد، روز سوم و چهارم به سرکوب کارگران پرداخت. در محل تجمع دویست پلیس مسلح که تحت فرمان کاپیتان "وارد" بودند، اشغال گردید. پس از سخنان " آلبرت پارسونز"، نوبت به " سامول فیلدن" رسید. صحبت های "فیلدن" تقریباً به آخر رسیده بود که پلیس به بهانه خاتمه تجمع بحرکت درآمد و خواستار پراکنده شدن معترضین شد. اما سخنان از محل تریبون اعلام کرد که: " این یک تجمع آرام است و باید ادامه یابد" این خواست با مخالفت کاپیتان " وارد" روبرو گردید و با واکنش مامورین مسلح پلیس در آتش گشودن به طرف کارگران انجامید.

در این بین، ناگهان یک بمب در بین عوامل پلیس منفجر گردید. نتیجه این انفجار، شلیک دیوانه وار سربهای داغ مامورین پلیس و قصابی کارگران بود. در این جریان هفت پلیس کشته شدند. همچنین در این کشتار هفتاد تن از کارگران جان باختند و یکصد و پنجاه تن زخمی شدند. باید اضافه کنم؛ از آن پس نیروی سرکوبگر پلیس به چاپخانه ها و مراکز کارگری حمله ور شدند و چندین نقطه به آتش کشیده شدند و شریات اپوزیسیون ضبط و صادره و تعقیب پلیسی فعالین کارگری آغاز گردید. شش آنارشویست بعنوان مضمونین به قتل دستگیر شدند و سخنرانان آن روز یعنی " پرسونز"، و "فیلدن" هم بازداشت شدند. اسامی دیگر دستگیرشدگان این فاجعه نیز از این قرار بودند: " اگوست اسپایس"، "اسکار بینه"،

"جورج انگل"، "آدلف فیشر"، "لوئیس ینک"، "میکائیل شواب" و... جدا از این رهبران اعتصابی به محاکمه بیدادگاه بورژوازی کشیده شدند. از تشکیل و دفاعیات کارگران اینگونه برمی آید که "ینک" کارگریست و یک ساله در بیدادگاه فریاد می زند: "من دشمن سرسخت نظام موجود، یعنی سرمایه داری هستم و تا زنده ام، بر علیه آن خواهم جنگید..." این صدای سرخ، ۱۲۵ سال پیش از حنجره جوان کارگریست و یک ساله ای برآمد که به جرم رهبری اعتصاب محکوم به اعدام شده بود. این صدا فریاد همه کارگران جهان است. فریادی است که چون آتشفشانی می توفد و می غرد و می پیچد و همه هنگام هراس مرگ به جان جان سخت سرمایه سالاران می نشاند. فعالان نامبرده حکم اعدام گرفتند...، اما اعدام رهبران، کارگران را درستیز خود با چرخه سرمایه داری مایوس نکرد. نیم میلیون کارگزار دوازده هزار کارخانه شعله اعصاب را فروزان داشته و به حقوق حقه خود پای فشر دندتا آنجا که در بسیاری از شهرهای آمریکا هشت ساعت کار در روز تثبیت شد.

با اینهمه؛ سه سال بعد در چهار ژوئیه ۱۸۸۹، کنگره بین المللی کارگران در پاریس، با پیشنهاد نماینده آمریکا "بوش"، روز اول ماه مه را به عنوان بزرگداشت یادکارگران جان باخته شیکاگو، روز همبستگی بین المللی کارگران اعلام نمود. بدین ترتیب روز کارگران جهان بر شطی از خون آنان بنیاد گشت. رژیم های ارتجاعی در ابتدای امر بابرگزاری این روز در کشورهایشان مخالفت کردند. اما پافشاری کارگران، آنان را به عقب نشینی واداشت و ماه مه در کلیه کشورهای جهان روز همبستگی کارگران اعلام گردید.

در ایران برپاداشتن این روز همبستگی جهانی جز ممنوعه ها است. تنها یکی و دو سال پس از پیروزی قیام بهمن که هنوز حکومت سرمایه داری اسلامی ایران و حاکمیت ملاها قادر نشده بودند، ارگانهای سرکوبش را سازمان دهد، کارگران توانستند با شرکت میلیونی خود در تظاهرات اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، نیروی شگرف و تعیین کننده شان را به نمایش بگذارند. اما علیرغم سرکوب های وسیع کارگران در ایران، در تمامی سال های حکومت سیاه و ضد کارگری اسلامی ایران؛ این روز (اول ماه مه) هیچگاه از جانب کارگران تعطیل نشد و آنان این روز را همواره و به اشکال مختلفی در کوه، صحرا، در زندان و محیط کارخانه جشن گرفتند و همبستگی خود را با جانبباختگان این روز در پهنه جهان اعلام داشتند.

امسال ۱۳۹۰ در شرایطی به استقبال این روز در جهان و ایران می رویم که بعد از ۱۲۵ سال از گذشت فاجعه ۱۸۸۶ به اینطرف، هنوز آن دشمنی و عداوت پایه ای بین صاحبان سرمایه و کارگران مزدی تداوم داشته و دارد. هنوز کارگران مجبورند نیروی کار خود را در یک یا چند رابطه ساده بفروشند و هنوز کارگران هیچ کنترل و تاثیر تعیین کننده ای بر چرخه تولید ندارند و از یکطرف فاقد تشکل های مستقل در سطح بین المللی هستند و از طرفی دیگر در ایران نیز بدلیل سرکوب خشن، از حداقل تشکل مستقل خویش محرومند. تمامی مطالبات اعلام شده کارگران با مقاومت و سرکوب سرمایه داری حاکم اسلامی، بی پاسخ مانده و هنوز فعالان شناخته شده کارگری بخاطر راه انداختن تشکل مستقل خود سندیکا و جانبداری از آن همچون: منصور اسالو - ابراهیم مددی - رضا شهابی - غلامحسین غلامحسینی از فعالان سندیکای مستقل اتوبوسرانی تهران و حومه در زندانند و ابراهیم زاده فعال حقوق کودک به بیست سال زندان محکوم گشته است. هنوز پرونده برپا دارندگان اول

ماه مه درسفزونسنندج ودرپارک لاله دربايگانی بيدادگاههای رژيم اسلامی در حال ورق خوردن است و همواره سازماندهندگان آن تحركات در مقام تعقيب و پيگیری هستند. بيایم اول ماه مه امسال را به روز اعتراض برای آزادی همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام شیرکو معارفی فرزند مردم کردبدل سازیم . این روز را به روز خشم و اعتراض عمومی مردم ایران دربرابر رژیم سرمایه داری حاکم بدل کنیم و به تقویت و تحکیم یکپارچه مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران و صفوف فشرده کارگران در راستای پاسخگویی به مبارزات آنان در روز اول ماه مه ، روز تجلی اراده تاریخی کارگران بدل سازیم و به امرواژگونی این نظام ضد کارگری یاری رسانیم .

ادامه دارد ...

* (ارنست فیشر، کتاب جمعه شماره ۳۳ ، ص ۲۵)